

اعتصاب عمومی اخیر مردم مریوان یادآور کوچ اعتراضی

صالح سرداری

روزهای ۱۲ تا ۱۶ اسفند ۱۳۸۷ مردم شهر مریوان در یک اعتراض هماهنگ و متحد به رژیم اسلامی که زندگی و معیشت آنها را مورد مخاطره باز هم بیشتر قرار داد، شهر را یکپارچه تعطیل و به اعتصاب کشاندند. در این روزها مردم مبارز این شهر صفحه ای دیگر از اعتراضات بر حق و برابری طلبانه را به کارنامه خود افزودند. این اعتصاب بدنبال فشارهای نیروی سرکوبگر رژیم برای بستن مرزها که به قیمت بیکاری باز هم بیشتری برای کارگران و زحمتکشان تمام می شد انجام گرفت. ص ۲ ←

کنگره سوم حزب حکمتیست از نگاه تعدادی از نمایندگان آن ص ۳

کنگره جهانی کارگران در اربیل کردستان عراق

وضعیت کارگران ایران از طرف سه نفر
کارگر کمونیست در این کنگره منعکس
شد

تهیه گزارش: اکتبر ص ۶

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست ص ۷

به یاد رفقای گردان شوان

پاسخ به سوالاتی درباره فعالیت گارد آزادی ص ۷

"گارد آزادی نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری - حکمتیست است و بعنوان بازوی نظامی حزب در خدمت اهداف، آرمانها و برنامه این حزب سازمان میابد. هدف فوری این نیرو تضمین قدرت نظامی حزب، طبقه کارگر و مردم انقلابی برای دفاع از آزادی و امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه است.
گارد آزادی هسته تسلیح عمومی مردم و تشکیل میلیس توده ای است و یکی از اشکال اصلی سازمان یابی جوانان و مردم بخصوص در محلات و شهرها است. در شرایط کنونی، با توجه به موقعیت حزب و شرایط خاص سیاسی در کردستان، که از همان ابتدا احزاب بدون بنیانسیلی نظامی را فاقد هر شانسی میکند، سازمان دادن گارد آزادی وظیفه عاجل حزب در کردستان است. این نیرو، در کردستان، بعلاوه وظیفه حفاظت از رهبران کمونیست مردم و فعالیت های حزب (دسته های سازمانده و غیره) در مقابل تعرض و مزاحمت جمهوری اسلامی و یا دارو دسته های مسلح سیاسی، قومی و مذهبی دیگر را بر عهده دارد."

اکتبر ۱۷

www.oktoberr.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

Rz.Danesh@gmail.com

سردبیر: رضا دانش

۴ فروردین ۸۸ - ۲۴ مارچ ۲۰۰۹

شادباش سال نو به مردم آزادیخواه ایران

از طرف حزب حکمتیست سال نو ۱۳۸۸ را به همه مردم تشنه آزادی شادباش می گویم.
رژیم اسلامی سرمایه با تحمیل ابعاد بیسابقه فلاکت، با گسترش تعرض به معیشت کارگران و اکثریت عظیم شهروندان و با تشدید سرکوب و خفقان، شادی فرارسیدن سال نو را به کاممان تلخ کرده است، اما در مقابل، نفس شادی کردن، گل و بهار و خنده را به خانه آوردن، دوستانه دور هم جمع شدن در این روزها، جلوه دلپذیری از مبارزه ما، ایستادگی ما و همبستگی ما در برابر این رژیم ضدشادی و آزادی است. شادی روزهای نوروزی را قدر بدانیم و زندگی پرمصاف و مشقت مان را با آن طراوت تازه ببخشیم.
در سالی که گذشت کارگران، زنان، دانشجویان و جوانان در برابر رژیم جانپان اسلامی، رژیم قداره کشان مدافع سرمایه، از خواستهای خود و از آرمان آزادی و برابری دفاع کردند، دستاوردها و پیروزیهای معینی کسب کردند که مهمترین و برجسته ترین آن برافراشتن پرچم "آزادی و برابری" در سطح جامعه بود. در سالی که پیش رو داریم با مصافهای بزرگتری روبرو خواهیم شد. رژیم اسلامی و کل طبقه سرمایه دار، با شکستن بار بحران اقتصادی بر کرده ما کارگران و توده های محروم جامعه، ما را به نبرد طبقاتی سهمگینی به وسعت جامعه فراخوانده اند. باید صفوف خود را نه فقط برای دفاع، بلکه برای تعرض متقابل متحد و آماده کنیم. جواب ما به بحران و پیامدهای مشقت بار آن، تعرض متحدانه و قدرتمند زیر پرچم آزادی و برابری، برای برچیدن بساط اقتدار و استعمار سرمایه داری است.
بار دیگر در سال جدید، برایتان شادی پایدار آرزو می کنم.

فاتح شیخ

رئیس دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۹ اسفند ۱۳۸۸

اطلاعیه پایانی

کنگره سوم حزب

کمونیست

کارگری ایران -

حکمتیست ص ۸

دبیر کمیته کردستان

اسد گلچینی

agolchini@yahoo.com

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان:

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری

سنندج را بر می‌داریم، او هر چند رسماً حاضر نشد اعلام کند که مرز را باز می‌کنند اما مجبور شده اند به نوعی به خواست مردم گردن نهند و هم اکنون آمد و رفت و کار کردن در مرز دوباره ادامه پیدا کرده است.

مبارزه توده ای سنتی جافتاده

اشکال بکار گرفته شده در این مبارزات در شهر مریوان، یعنی اعتراضات و اعتصاب عمومی مسایل تازه ای نبودند. این شکل از مبارزه توده ای ریشه در گذشته دارد، چه آن دورانی که در زمان رژیم پهلوی که دهقانان روستای بیلو و داریسیران به این شیوه از مبارزه یکپارچه دست زدند و چه در آغاز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در اعتراض به سرکوبگری اش کوچ شهر را سازمان دادند و شهر خالی از سکنه شد و رژیم را وادار کردند با شورای شهر مریوان به رهبری رفیق فواد مصطفی سلطانی بنشینند و به خواست مردم کوچ کرده گردن نهد.

در این چند سال نیز علیرغم همه سرکوبگری ها و اعدام ها و زندان و شکنجه این شیوه مبارزه مردمی ادامه داشته است. اعتصاب عمومی شهر در خرداد 84 و اعتراض هزاران نفره زنان و مردان این شهر در سال 87 به قتل فرشته نجاتی در مریوان و شهرک جوجه سازی و کانی دینار و مورد مشابهی در روستای دزلی دید که با تشییع جنازه این زنان قربانی ناموس پرستی و ارتجاع به شکل راهپیمایی و شعار دادن و سخنرانی کردن و... به این بربریت اعتراض کردند. این سنت را می توان در مراسم ها و تجمعات گوناگون در دفاع از حق کودک در جشن آدم برقی ها و مراسم های ۸ مارس ها و نه به اعدام ... دید.

در تمام این مبارزات و اعتراضات چه در گذشته و چه اکنون کمونیست ها و آزادیخواهان دخالت و نقش مهمی و گاه تعیین کننده داشته اند. همه این مبارزات ماهیتاً در دفاع از آزادی و برابری و حق طلبی بوده است. هر چند ناسیونالیست ها با توجه به امکانات فراوان تبلیغاتی که در اختیار دارند می خواهند این مبارزات را به نفع خود مصادره کنند و از آن همچون همیشه سو استفاده کنند. اما کمونیستها و چپ جامعه و کارگران و مردم مبارز آن جامعه نقش و دور احزاب و گرایشات سیاسی را دیده و می شناسند و اعتصاب عمومی اخیر از بسیار جهات باید درس و یادآوری مسایل زیادی در امر رهبری، سازماندهی اعتراض و به سرانجام رساندن پیگیرانه خواستها باشد. در فرصت های دیگری باید جنبه های مختلف این اعتراض و اعتصاب عمومی لازم است مورد ارزیابی های مفصل تر قرار گیرد و رفقا و دوستان دست اندرکار را به این فرامیخوانم.

**به حکمتیست ها
به پیوندید!**

اعتراضات اخیر مردم مریوان بسیار دقیق و با نقشه و در چند مرحله به پیش رفت در روزهای اول به مقامات رژیم هشدار دادند و تعدادی از مغازه ها را بستند و در یک راهپیمایی در جلو فرمانداری شهر تجمع کرده و تهدید کردند چنانچه به خواست شان توجه نشود کل بازار را می بندند و چون جوابی نگرفتند تمام مغازه ها را بستند. در روز سوم تهدید کردند اگر کماکان رژیم به بستن مرز ادامه دهد فرزندانشان را به مدرسه نمی فرستند و نفرستادند و مدارس تعطیل شد. روز های آخر شهر را تماماً به تعطیلی کشاندند. شعارهای یا مرگ یا زندگی، بیکاری و برسیه تی کول بر حه قیه تی که به معنی (تا بیکاری و گرسنگی هست کارگرانی که در مرز کار می کنند حق دارند اعتراض کنند) زنده باد آزادی، مرز را باز کنید بچه هایمان گرسنه اند، در تمام روزهای اعتراض در راهپیمایی و تجمعات جلو فرمانداری شعار مردم معترض بود. اعتصاب عمومی به همه خانه های مردم در شهر و روستاهای مریوان کشیده شد. همه شهرهای کردستان و از طریق خبرگزاری ها ایران و دنیا در جریان قرار گرفت. حمایت بسیار وسیعی از اعتصاب مردم بعمل آمد. یک شهر و ده ها هزار نفر از مردم آن رژیم را به زانو در آورده بود. اعتصاب عمومی همه را به عکس العمل واداشت و همه جریانات سیاسی و اجتماعی درگیر بودند.

عکس العمل رژیم به اعتراضات

از همان روز اول اعتصاب، مقامات رژیم وقتی اتحاد و یکپارچگی مردم را دیدند متوجه شدند که به راحتی نمی توانند آنها را سرکوب کنند و به خانه بفرستند. همزمان تمام سرکوبگرانشان را درآماده باش نگه داشته و در تمام خیابان ها و مراکز اصلی شهر مستقر کرده بودند و نمایش قدرت می دادند اما سعی کردند با مردم معترض در گیر نشوند زیرا از عاقبت آن در هراس بودند و طبق معمول به وعده و وعید دادن پرداختند. این تحریکات اعتراضی و اعتصاب یکپارچه، شورای تامین شهرستان را وادار کرد که هر روزه جلسه بگیرند و از مقامات استان و وزارت کشور کسب تکلیف بکنند امام جمعه مرتجع و شورای شهر دارودسته های خود را بکار گرفته بودند تا مردم را از ادامه اعتصاب باز دارند. اما مردم کماکان روی خواست خود یعنی باز کردن مرز پافشاری میکردند. گردان های ویژه ضد شورش را از سنندج به مریوان فرستادند تا رعب و وحشت بیشتری ایجاد کنند. از تجمع بیش از ۵ نفر جلوگیری می کردند. تعداد ۱۰ نفر از معتمدین شهر را به اطلاعات مریوان برای چاره جویی بردند آنها هم همان جواب مردم را به آنها دادند که مرز را باز کنید این مردم حق دارند. رژیم تصمیم گرفته بود جواب خود را به خواست مردم توسط فرماندار در نماز جمعه بدهد اما کسی در نماز جمعه شرکت نکرد و مردم در خیابان های اطراف مسجد جامع به سخنان عوامفریبانه اش گوش دادند، او گفت که این تصمیم، بستن مرزها توسط دولت اتخاذ شده و ما نمی توانیم آن را عوض کنیم و... فقط گفت پست بازرسی سروآباد در مسیر جاده مریوان

در گیر شدن مردم مریوان با رژیم و نیروهایش به قدمت حاکمیت رژیم اسلامی در این رابطه مداوماً در جریان بوده و سال ها در این مرز کارگران و زحمتکشانی که بر اثر فشار اقتصادی و بیکاری مجبور بوده اند برای تامین امرار معاش خود و خانواده ها پشان به این کار پر خطر و طاقت فرسا تن دهند و متاسفانه صدها تن از آنان بوسیله نیروهای انتظامی جان باخته و یا زخمی شده اند. موارد زیادی در مقابل این تعرض سرکوبگران ایستاده و با چوب و سنگ با آنها درگیر شده و آنها را وادار به عقب نشینی کرده اند. این بار یک شهر به مقابله برخاست و توانست تا حدی که در توان و رهبریش بود رژیم را عقب براند.

چرا رژیم میخواست مرز را ببندد؟

رژیم تصمیم گرفته بود که تمام نیروی خود را بکار بگیرد تا رفت و آمد درون مرزی را زیر کنترل خود بگیرد این مساله از نظر رژیم هدف های سیاسی و اقتصادی داشت کنترل بر مرز برای هر نوع رفت و آمدی و پرونده سازی های مکرر از بسیاری ها که بدلائل مختلف تردد میکنند و باج گیری از مبادله کالا و به انحصار در آوردن معاملات مرزی تا اینکه خیل بیکاران در مرز را مجبور کند به سیاست بسیج گیری رژیم تن دهند که وسیعاً در منطقه آن را دنبال می کند و بخصوص که این منطقه برای رژیم از حساسیت خاصی برخوردار است همه اینها دلیل بستن و یا بشدت تحت کنترل در آوردن مرز بود و بنا به این دلایل هزاران نفر و هزاران خانواده وابسته که کار و زندگی شان که از این طریق ممکن میشد به لشکر بیکاران این شهر و حومه پیوست. نیروهای رژیم در مرز ها به جنایت بیشتری دست میزنند و هر روز اخباری دال بر دستگیری و کشتن و غارت اموال کاسبکاران، مردم را به مبارزه ای وسیع کشاند. اعتراض در همه جا جاری شد. جوانان شهر، بیکاران، کاسبکاران مغازه داران و همه طبقات و اقشار مختلف که هر کدام به نوعی به این مساله در این شهر گره میخوردند به این اعتراض کشانده شدند. همه اینها و کشت و کشتار و غارت مردم زحمتکش و دارای هایشان در کنار کانال های عمیق و عریض در مرز و روستاهای حومه شهر، خشم همه مردم بر علیه جانپان حاکم و مزدورانشان را بیش از پیش برانگیخت. رژیم با بستن مرز به شاهرگ حیاتی زندگی هزاران انسان حمله کرد و به همین خاطر مردم با تمام توان خود به مقابله برخاستند.

هزاران خانواده کارگری در این منطقه زندگی شان به این مرز وابسته است. در این منطقه خبری از کارخانه و کارگاه که ساکنین آن در آن کار کنند نیست. اشتغالی وجود ندارد از بیمه بیکاری خبری نیست. تنها ممر درآمد این هزاران خانواده تن دادن به این کار پر خطر و سخت است که رژیم دست از سرشان بر نمیدارد. این وابستگی اقتصادی زندگی مردم به کار کردن در مرز اساسی ترین دلیل این اعتصاب و اعتراضات بود.

کنگره سوم حزب حکمتیست از نگاه تعدادی از نمایندگان آن

اکتبر: به نظر شما کنگره چه جایگاهی در فعالیتهای حزب خواهد داشت؟

آرش حسینی: قبل از اینکه سوال شما را پاسخ دهم جا دارد احساس واقعی خود را از اینکه برای اولین بار در کنگره ای کمونیستی و در بین رفقایی که از بهترین کمونیستهای این جامعه میباشند، کسانی که هر یک تاریخ 30 سال مبارزه و رهبری جنبشهای مختلف اجتماعی را در ایران و کردستان داشته اند ابراز نمایم. باعث خرسندی من بود که این کنگره در پر تلاطم ترین شرایط سیاسی و اقتصادی ایران و جهان برگزار شد و کنگره سعی کرد حزب را متوجه این مسئله کند، به عنوان تنها جریان جدی و مصمم و دخالتگر در وضعیت حاضر میتواند چه نقشی در رهبری و سازماندهی طبقه کارگر ایفا کند. یکی دیگر از جنبه های که در کنگره مورد بحث قرار گرفت بحران و معضلات و موانع تحمیلی بر سر راه جنبش طبقه کارگر بود که در بررسی و موقعیت طبقه کارگر و موانع و مصافهای پیش روی این جنبش بحثهای مختلفی ارائه شد و به نتایج مفیدی دست یافتیم.

سالار کرداری: در مورد کنگره که بدیهی است عالی ترین مرجع حزبی است باید بگویم در حزب ما شرکت کم نظیر رفقا در زمینه های مختلف بحث چهره ی دیگری را به کنگره بخشیده بود که هر چند جای رفقای داخل در آن خالی بود با این وجود باز آکنده از شور کمونیستی بود. کنگره باید به بررسی کارنامه ی ما قبل از کنگره ی سابق بپردازد و اهم فعالیت های خود را رو به آینده کانالیزه و روشن نماید. در مسائل مختلف کارگری، زنان، جوانان، دانشجویی و سیاسی با ارایه ی آلترا ناتو درست به فعالین و اعضا خود بتواند افق روشنی را در زمینه مبارزاتی به آنها بدهد. کنگره جریان های فکری و عملی حزب را شکل و نظم می بخشد و همچنین اهم فعالیت های پیش رو را روتین و زمینی میکند.

اسماعیل ویسی: بنوعی در جواب سوال قبلی بطور مستتر و کلی به جایگاه کنگره در فعالیتهای حزب اشاره کرده ام. و بطور موجز تاکید میکنم که کنگره سوم در پاسخگویی به وضعیت مبارزه و ارائه خط و جهت کمونیستی کارگری موفق بود. زیرا دنیا و جامعه ایران هم تغییرات زیادی کرده است و بر این اساس روند مبارزات و رودروئی های اجتماعی جنبه طبقاتی پر رنگتری بخود گرفته است. و در ایران نیز پولاریزاسیون طبقاتی در ابعاد اجتماعی و در مبارزات روزمره پر رنگتر شده و آن جنبه عمومی و همه با هم کم رنگتر شده است و بر این روند، میروود تا طبقه کارگر بطور خاص و اقشار تهی دست بیشتر از همیشه در تحت سلطه حاکمان سرمایه دار در شرایط دشوار تری از هر لحاظ قرار بگیرند. کنگره توانست این شرایط و واقعیت عینی را ببیند و سیاست و جهت درست در این جدال و مبارزه کارگران و

کمونیستها بر علیه نظم حاکم سرمایه داران را برای پراتیک آتی حزب از آن اتخاذ کند چیزی که باید برای حزب و جنبش ما بدیهی و پایه ای باشد. اما در چنین شرایط و موقعیتی که جنبش کمونیستی در دنیا و ایران نیز در آن قرار گرفته است و تا حدی تحت تاثیر جنبشهای ناسیونالیستی و پوپولیستی مدرن و انقلاب همگانی قرار گرفته است، باید شفافیت بسیار بیشتری به تئوری و پراتیک کمونیستی دخالتگرانه مارکس داده شود. شفافیت بر مراتب بیشتری بطور هدفمند باید به پراتیک کمونیستی و مشغله ها و اولویتهای یک حزب کمونیستی و رهبریش داده شود. کاری که در کنگره سوم در مبحث " بررسی وضعیت کمونیستی در ایران " توسط کوروش مدرسی، انجام گرفت. شفافیتی بیشتر بر خط و جهت کمونیستی کارگری و فعالتهای آتی حزب قرار داد.

سهند حسینی: از نظر من دو مسئله اهمیت ویژه به کنگره سوم حزب ما میداد، یکی اینکه ما در یک مقطع حساس تاریخی که سرمایه داری چه در ایران و چه در سطح جهان با بیسابقه ترین بحرانهای ادواریش گریبانگیر شده و این دخالت موثر حزب حکمتیست را به عنوان تنها جریان سوسیالیستی و مارکسیستی، هم از نظر برخورد تئوریک و فکری به این مسئله و هم از نظر یک انتخاب سیاسی پراتیکال که موقعیت جنبش سوسیالیستی و کارگری را بهتر نماید، میطلبد. دوم اینکه در این چند روز، مباحث مهم و حیاتی مانند موقعیت جنبش کارگری، اوضاع سیاسی ایران و موقعیت جنبش کمونیستی و همچنین موقعیت حزب در کردستان و اولویتهای حزب مورد بررسی و تبادل نظر جدی حاضرین قرار گرفت که در طی این مباحثات کنگره به نتایج مهم و قابل توجهی دست یافت که از نظر من تاکید بر دخالت موثر و جدی تر در جنبش کارگری و تقویت و سازماندهی جنبش و سنت سوسیالیستی درون این طبقه جزو مهم ترینهایش بود.

اکتبر: چه نکات مهمی را در باره و در مورد جایگاه کنگره 3 حزب میخواهید به همه کمونیستها و بویژه حکمتیستها در کردستان بگویید؟

آرش حسینی: با توجه به شرایطی که سرمایه داری هار و عریان در ایران بر روی طبقه کارگر و جامعه ایران تمیل کرده ما شاهد دور جدیدی از تحولات سیاسی و توده ای، دور جدیدی از تحزب در ایران شده ایم، در واقع این شرایط به انرژی همه ما، به قابلیت تک تک ما و کمک تک تک ما احتیاج دارد این کنگره باید در عین حال انتظار از حزب را بیان میکند. این کنگره باید اول ماه مه امسال را نمایندگی کند، باید مبارزه کارگران و معلمان را نمایندگی کند، باید سیزده آذرهای با شکوه را در سرتاسر دانشگاههای ایران نمایندگی کند و گارد آزادی را به عنوان بازوی مسلح در دفاع از این دست آوردها و تقویت آن و هرچه بیشتر در سطح جامعه گسترش دهیم.

سالار کرداری: به نظر من این کنگره به نوعی اثبات حقانیت جنبش کمونیستی/ حکمتیستی در همه ابعاد بود. این کنگره با انگشت گذاشتن بر روی نقاط ضعف به صورتی واقع بینانه و عینی تمام تلاشش را به کار گرفت که عملی ترین بدیل را برای ادامه کار با کمترین ضعف ارائه دهد. در این حال بُعد وسیع کاری و گستردگی سازمان های تشکیلاتی مقداری اغفال در زمینه هایی به وجود آورده بود که در این کنگره به درستی تاکید به کار هماهنگ در میان لای لای این حزب کمونیستی شد. این کنگره برای رفقایمان در ایران و در کردستان باید به مثابه ی تایید بیشتر بر کار روتین و موضع مستحکم در قبال تعرض های رژیم جانی، و ارتجاع قومی، مذهبی و ناسیونالیستی باشد که هر روز

از این لحاظ که حزب حکمتیست در یکسال گذشته و در فاصله بین کنگره دو و سه، سهم مهمی در یک مبارزه کمونیستی در جامعه داشت. کشمکش و جدال مهم کارگر و دانشجو و زن و مردم ستمدیده در ایران در جریان بود، حزب ما یکی از مطرح ترین جریانات سیاسی در این کشمکش ها در یکسال و نیم گذشته بوده است. دوستان ما این را میبینند و مخالفان و دشمنان هم از زاویه خودشان این را کتمان نمی کنند. خود ما باید همه این واقعیت را ببینیم و بدانیم که حزب و رهبریش سهم مهمی در دادن افق روشن برای امید به مبارزه ای آزادیخواهانه و کمونیستی و مستقل داشت بویژه آنگاه که بسیاری امیدشان را به حمله آمریکا برای هر تغییری در ایران میدیدند و آنگاه که رژیم اسلامی با همه توان به سرکوب مبارزات دانشجویی پرداخت و وقتی امروز همه آن صحنه ها را نگاه میکنیم یک حزب سربلند و مفتخر به آنچه انجام داد را میبینیم.

ماشین سرکوب یکبار دیگر و بسیار گسترده تر هر صدای آزادیخواهی و هر مبارز و رهبری و

حمله‌ی تازه‌ای را به معیشت مردم محروم و در راس آن طبقه‌ی کارگر و قشر زحمت کش جامعه انجام می‌دهند. در آخر باید بگویم کنگره 3 حزب حکمتیست را یک هدیه‌ی نوروزی بدانیم و با افتخار اعلام میکنم اگر ما چنین حزب و عملکردی را در گذشته می‌داشتیم، چه بسا که انقلاب 57 راهی متفاوت می‌پیمود. برگزاری موفقیت آمیز این کنگره رابه تمام کمونیستها و طبقه‌ی کارگر ایران و علی‌الخصوص کردستان تبریک بگویم.

اسماعیل ویسی: قبل از هر چیز برگزاری موفقیت آمیز کنگره سوم را به طبقه کارگر، رهبران عملی توده‌ای و اجتماعی، کارگران و فعالین کمونیست و تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در سراسر ایران و کردستان تبریک میگویم. تاکید میکنم که در مدت زمان کنگره جای خالی و حضور دخالته‌نگرانه شان در تمامی مباحثات احساس میشود. امید هست که همگی دوش بدوش هم بتوانیم با برداشتن گامهای اساسی و روشن، واقع‌بینانه و هدفمند که از ویژه گی های مدل‌لژی کمونیسم دخالته‌نگرانه مارکس- حکمت است، مسایل مهم و مطرح در کنگره را در پراتیکمان دنبال کنیم. مبانی فکری، سیاسی و فعالیتی حزب حکمتیست همچنان بر این مبنا و در پرتو مباحثات مهم کنگره امیدوارم دنبال شود و با تلاش هماهنگ و سازمانیافته در گام اولیه برای سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داری و کل نظام و سیستم سرمایه داری و سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر که حزب ما برای انجام این امر مهم اجتماعی تشکیل شده تلاش کنیم و جهانی را از منجلاب ضد انسانی نظام سرمایه داری نجات بدهیم!

شرکت کنندگان در کنگره با دخالتگرهای پیگیرانه خود تا آنجائی که ممکن بود، توقعات سیاسی فعالین کمونیست و کارگری و برابری طلب و آزادیخواهی را بر آورده کرده، و منعکس کننده توقعات شان در کنگره بودند.

کنگره سوم چون کنگره های پیشین کنگره ای رویتین و نرمال بود. هر چند در شرایطی ویژه موقعیت اقتصادی- سیاسی در ابعاد جهانی و منطقه ای و جامعه ایران بود. که بنوعی رنگ و بوی خود را به کنگره و مباحثات آن بمثابه حزبی سیاسی- اجتماعی که گریز ناپذیر هست، زده بود. حزبی که میکوشد با شناخت واقعی از موقعیت کنونی و تشخیص مؤلفه های مثبت و منفی و موانع سر راه پیشروی های آتی اش را بطور هدفمند تضمین کند و توقعات واقعی را در پیش پای خود و جامعه و فعالین جنبش کمونیستی کارگری قرار بدهد. بر این اساس کنگره گزارش های مربوطه را مورد ارزیابی و بررسی همه جانبه قرار داد و بر نکات مثبت و منفی فعالیتهای دوره گذشته و موقعیت کنونی حزب که بطور غیر قابل انکاری در صحنه سیاست جامعه ایران قرار دارد و یکی از مطرح ترین احزاب سیاسی و بنوعی وجودش تداعی کننده عروج جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی میباشد، تاکید نمود. وبا چشم دوختن به واقعیت تلخ که ویژه مند لوژی حکمتیسم میباشد برمشکلات واقعی از لحاظ سبک کاری، ضعیف بودن حزب و حزبییت و بنوعی جنبشی عمل کردن، کم نفوذ بودن حزب در جنبش کارگری و بخصوص در میان

کارگران کمونیست و رادیکال سوسیالیست و سنگینی کردن شانه های انقلابیگری ضد رژیمی گری، در پراتیک دوره گذشته با جسارت انگشت گذاشت. و با برسمیت شناختن این موانع بمثابه حزبی که لازم هست در صفوف خود آمادگی لازم را بوجود آورد تا در این شرایط فلاکت بار جهانی که، ممکن هست تلاطمات اجتماعی کور و غیر هدفمند در جامعه ایران رخ بدهد را به حرکات هدفمند و سازمان یافته مبدل و در مسیر واقعی هدایت و رهبری کند، آفریننده فرصتها، توقعات و جهت های عملی و سیاسی آتی حزب در دنیای واقعی و در پاسخگویی به وضعیت مبارزه کمونیستی مان شد. اساس روح مباحثات و سیاستهای کنگره در زمینه های متفاوت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس مبانی فکری ای حزب حکمتیست یعنی کمونیسم دخالتگر مارکس- حکمت " ايجاد تغييرات مثبت در زندگي مادي مردم در جامعه ايران از فرم تا انقلاب " بود که با دخالتگری فعالانه برای ايجاد تغيير در جزئی ترین تا اساسی ترین مسایل مادی در زندگی مردم در جامعه ایران و کردستان و مبدل شدن به " حزبی مقتدر کمونیستی توده ای و اجتماعی " و متشکل کننده قطب چپ در جامعه و برای تصرف قدرت سیاسی بود. که در غیر از این موقعیت، ارتجاع از هر نوعش " ملی، قومی و مذهبی " نتواند خدشه ای به حق و حقوق مردم وارد و تحمیل کند! تداعی شدن آن در جهت و سیاست و نتایج پراتیکی ای که بطور ویژه در این کنگره اتخاذ گردید، میباشد و لازم هست برای مادیت بخشیدن بدان که نیروی همگی مان را طلب میکند، گام برداریم. بطور مشخص دستیابی به این اهداف انسانی در جامعه محتاج نیروی سازمان یافته ما میباشد و لازم است حول پرچم حزب متشکل شد و سازمان حزب سازمان این مبارزه جنبش و طبقه ما باشد. این توقعی از خود ما و از تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، رهبران کارگری و توده ای در جنبش کارگری است که برای خلاصی از حاکمیت سرمایه داران و سرکوب آنها مبارزه میکنند.

۱- افق و سیاست کمونیستی و حکمتیستی حزب و فعالیت همه بخشهای آن، توانست این جایگاه امروز را برای حزب در میان کمونیستها و در مبارزه با رژیم سرمایه داری و سرکوب اسلامی ايجاد کند. این سیاست ها را باید بیشتر شناخت، بیشتر شناساند، به همه کمونیستهایی که تاکنون راه حل درستی برای مبارزاتشان پیدا نکرده اند باید گفت و آنها را باید متقاعد کرد که بدون حزبی کمونیست با سیاستهای کارگری و میلیتانت همچون حزب حکمتیست، که میتواند برای گرفتن قدرت خیز بردارد، بدون حزبی که معطوف به طبقه کارگر است و در میان رهبران و فعالین این طبقه میخواید و قادر است با نفوذ باشد، نمیتوان قدمی مهم پیش رفت. حزب ما با افق و سیاستهای روشنش در این سالها توانسته است مایه امید شود. این را باید به واقعیتی اجتماعی تر در میان طبقه کارگر، رهبران کارگری و فعالین و رهبران کمونیست و چپ در همه عرصه های مبارزه تبدیل کنیم و حزب نه تنها مایه امید و دارای سیاست های کمونیستی، بلکه ابزار و سازمان کمونیستها برای رهبری این مبارزه باشد. برای این امر ما و بویژه رهبری و همه کادرهای حزب در همه جا وظیفه ای مهم در

سهند حسینی: در مورد سوال دوم شما میتوانم اینطوری جواب بدهم که اگر میخوایم پرچم

کمک های مالی رسیده به کمیته کردستان	
فریبیا م 20 کرون	ابو ش.س 50 کرون
سیامک کامیاران 50 کرون	جمال ک. 40 کرون
محمد ب. 10 یورو	هاله ب. 20 یورو
محمد یگانه 20 یورو	سعید یگانه 20 یورو
محمد ج. 5 یورو	چمشید 5 یورو
اسعد ک. 10 دلار	قادر م. 10 یورو
محمود م. 100 کرون	محمود شهابی 50 کرون
آفاق و. 40 کرون	سوسن ه. 40 کرون
اسماعیل و. 5 یورو	لاله 20 کرون
لادن داور 10 یورو	همایون بک 10 یورو
جواد اصلانی 20 یورو	الان 10 یورو
خالد 40 کرون	رسول ب. 100 کرون
بانو و محمد نوری 300 یورو	سعید یگانه 100 یورو
مونا گلنراقی 100 کرون	

لیست کمکهای مالی که توسط آبا جی عزیز جمع آوری شده است

علی عبدالی 100 کرون	خلیل ق. 50 کرون
فرنگیس ق. 50 کرون	جمیله ش. 50 کرون
هیرو از تروژ 50 کرون	

که تحت این نام کومه له ای که کمونیست بود، پرچم ناسیونالیستی برافراشته اند، آنهایی را ببینید که اعلام کرده اند سوسیالیسم نامربوط و دور از واقعیت امروز زندگی کارگر است، تا آنهایی که امیدشان را به نتوده ای ها بسته اند تا افقی برایشان بیاورند، همین مساله سرنوشت کمونیسم و مبارزه کمونیستی و کارگری را تحت تاثیر قرار داده است و همچنان ادامه دارد، ما توانسته ایم کمونیسم کارگر و افق و سیاستهایش را در دسترس قرار بدهیم اما هنوز سازمان این ادعا نیستیم و امکانات و ملزومات دسترسی به جامعه را هم نداریم. کومه

۲- اوضاع در ایران تحت تاثیر بحران بزرگ اقتصادی ناشی از وجود نظام سرمایه داری هم اکنون و در آینده ای نه چندان دور به احتمال زیاد متحول میشود. 30 سال تحصیل فلاکت و فقر و استثمار شدید و ناامنی مفرط برای کارگران و مردم ستمدیده، 30 سال سرکوب و ایجاد جهانی برای سرپا نگاه داشتن این نظم برای سرمایه داران و ارتجاع قرون وسطایی در چنین وضعیتی که بوجود آمده است نمیتواند ادامه داشته باشد و جامعه عمیقاً معترض است و دنبال راه حل است، طبقه کارگر و حزب کمونیستی اش یا باید بدست گرفتن سرنوشت جامعه نقشه بریزد و یا باز هم در چنین شرایطی سرکوب شده به زندگی بمراتب بدتری ادامه بدهند. سردرگمی و ابهامات بسیار بیشتری از بیرون و حتی از درون خود ما ممکن است در برابر ما قرار بگیرد. راه حل کنگره تاکید بر تصمیم و کار همیشگی ما برای سازماندهی این مبارزه و بدست گرفتن قدرت سیاسی بود و باز این جنبش کمونیستی است که در صورت اتکا به قدرت خود میتواند راه حلش را برای انتخاب در جامعه جلو بگذارد.

باید تاکید کرد که جنبش کمونیستی و چپ در ایران به این دلیل نتوانسته است جایگاه مهمی در مبارزه طبقه کارگر برای آزادی جامعه از شر سرمایه داری و نظم ارتجاعی داشته باشد که دنباله رو دیگر افق ها و سیاستهای غیر کارگری و غیر کمونیستی بوده است. سرکوب و خفقان اگر یک طرف جدی مساله است، بی تفاوتی و نداشتن افق و تصویر درست از یک مبارزه کمونیستی معطوف به سازماندهی کارگران و طبقه کارگر طرف دیگر مساله است. کنگره روشنتر از همیشه بر این واقعیت انگشت گذاشت و بیشتر از همیشه حزب و جنبش کمونیستی و چپ را که اتفاقاً بدلیل موقعیت خوب و سمپاتی وسیع و خوشنامی میتواند مایه امید و قدرت باشد را موضوع تغییراتی مهمتر در این زمینه کرد.

در این زمینه لازم است و میتوان در فرصت های دیگری با همه رفقای کمونیست بحثهایمان را داشته باشیم. ما باید کمونیسم را به پایه مادی اش یعنی طبقه کارگر مرتبط کنیم. بهر اندازه که در این کار شکاف بیشتری ایجاد شده است را باید متوجه شده و کارگران، رهبران، فعالین کارگری و کمونیستها را به این مساله باز گردانیم و این کاری است که باید ما برای آن در ابعاد بیشتری دست به کار شویم. در کردستان که این را خیلی روشن میشود دید. نگاه کنید به کومه له امروز و کومه له دیروز، نگاه کنید و ببینید فاصله بین حزبی که حزب کارگر و زحمتکش در کردستان بود با حزب دمکرات که نماینده و حافظ بورژوا هاست چه فاصله ای باقی مانده است؟ همه شاخه های کومه له را ببینید از آنهایی

میتواند و در حالی که همه سازمانهای سیاسی در کردستان در برابر شرایطی که برای کارگران و مردم ستمدیده بوجود آمده است بیشتر از همیشه دنبال منافع طبقاتی خود هستند، کنگره سوم حزب همه تشکیلات و کادرهای حکمتیست در کردستان را فرا خواند که با افق کارگری و کمونیستی هر چه بیشتر مسلح شده و سازمان و تشکیلات مرتبط به این مبارزات را داشته باشند که بدون این نمیتوان هیچ مقابله جدی را پیش برد. کنگره، کمیته کردستان و همه تشکیلات را فرا خواند که با اتکا به همه نیرو و توان کمونیستهای 3 دهه اخیر و نسل جوان حکمتیست ها سازمان این مبارزه را ایجاد کنند و این سرمایه عظیم کمونیستی را باید بیش از پیش متوجه بود.

و بالاخره باید اضافه کنم که: ما باید گادر آزادی را دقیقاً در ادامه این چنین سیاستها و مبارزه ای که حزب و طبقه کارگر و جنبش کمونیستی نیاز دارد سازمان بدهیم. سازمان مسلح با حفظ ظاهر در شرایط کنونی برای ما حیاتی است، حفظ دسترسی رهبران حزب در میان مردم حیاتی است و این توان حزب و کارگران و کمونیستها را برای هر نوع مقابله ای با رژیم و ارتجاع بالا خواهد برد. اما سازمان گارد نمیتواند و نباید به این محدود شود. این سازمان، سازمانی باید بشود به وسعت مبارزه ای توده ای، اجتماعی و ملیتانی که وجود دارد. باید ابزار مبارزه و تغییر محیط زندگی و کار ما از ارتجاع و سرکوب و استبداد باشد. گارد آزادی مهمترین و موثرترین سازمان هاست که برای جنبش کمونیستی و طبقه کارگر ابزار قدرتمند شدن است و ما بدون آن قادر به سازماندهی همه جانبه مبارزه ای که داریم و همینطور پیشروی در مبارزاتمان نخواهیم شد. تثبیت و بکار انداختن هر چه قدرتمند تر این سازمان کار ماست.

**به گارد آزادی
به پیویدید!**

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کنگره جهانی کارگران در اربیل کردستان عراق

وضعیت کارگران ایران از طرف ۳ کارگر
کمیونست در این کنگره منعکس شد

تهیه گزارش: اکتبر

International Labour Conference
Erbil – Iraq 13 – 14 March 2009

کنگره جهانی کارگرو روزهای 13 - 14 مارس (24 - 23 اسفند 1387) در اربیل برگزار شد. در این کنگره که به همت کنگره آزادی عراق برگزار شد نمایندگان از اتحادیه ها، سندیکاها و تشکلهای کارگری از کشورهای آمریکا، بریتانیا، ژاپن، آفریقای جنوبی، استرالیا و ایران شرکت داشتند. همچنین از نقاط مختلف عراق نیز نمایندگان و روسای تشکلهای کارگری از بخشهای نفت، گاز، برق و... شرکت داشتند. کنگره آزادی کلیه هزینه های اسکان، رفت و آمد شرکت کنندگان و... را تقبل کرده بود.

بحثها و سخنرانیها به زبانهای انگلیسی، عربی، کردی ارانه و بطور همزمان به این زبانها ترجمه میشد.

متن کلیه قرارهای رسیده به کنگره و برنامه کاری آن بصورت مکتوب به زبان انگلیسی و عربی در سالن کنفرانس در اختیار شرکت کنندگان قرار داده شده بود.

کنگره با سخنرانی سمیر عادل دبیر کنگره آزادی کار خود را آغاز کرد.

وزیر کار حکومت منطقه ای کردستان هم در مراسم افتتاحیه شرکت و سخنرانی کرد. از لزوم شرکت کلیه افراد منجمله کارگران در ساختن کردستان و جذب سرمایه جهانی در کردستان جهت افزایش تولید صحبت کرد.

سپس نمایندگان تشکلهای کارگری شرکت کننده از کشورهای خارجی پیام های خود را به کنگره ارائه دادند.

کارگران ایران را هیاتی سه نفره از کارگران کمیونست به نامهای رحیم - نسرین - اسماعیل که توانسته بودند در این کنگره شرکت کنند نمایندگی کردند. شرکت کنندگان ایرانی از طرف کلیه شرکت کنندگان بخصوص مهمانان خارجی بشدت مورد توجه قرار گرفتند و تقریباً اکثریت قریب به اتفاق مهمانان کنگره با آنان توانستند نزدیکی به بحث و گفتگو بنشینند. شرکت کنندگان در کنگره از هرفرصتی استفاده میکردند تا از ایران و وضعیت طبقه کارگر اطلاعات بیشتری کسب کنند. خبرنگاران تلویزیونی که برای تهیه گزارش و خبر کنگره در محل حاضر شده بودند چندین بار از هیئت ایرانی تقاضای مصاحبه کردند.

در سخنرانی کوتاهی، رحیم تصویری از طبقه کارگر ایران و مصائب سرمایه داری برای کارگران به کنگره ارائه کرد او در سخنانش به مسائلی مانند: قانون کار، چگونگی تعیین حداقل دستمزد کارگران و مقایسه درآمد و مصرف

خانوار بر اساس آمار بانک مرکزی، کودکان کار، وضعیت زنان کارگر، بیکاری، قرارداد موقت و سفید امضا، برگزاری مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر و برخورد رژیم به سازماندهندگان آن، ممنوعیت تشکل و... پرداخت.

پس از مراسم افتتاحیه، قرارها ی رسیده به کنگره قرانت و مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و به رای گیری گذاشته شد. همه قرار تقریباً بدون تغییری قابل بحث تصویب شد.

خلاصه ای از قرارهای تصویب شده؛

قراری در مورد لغو قانون کار فعلی و تهیه قانون کار جدید با مشارکت نمایندگان کارگران قرار در مورد قانون نفت و گاز (الف - این قانون علیه منافع کارگران و کلیه مردم عراق است ب - منابع انرژی متعلق به کلیه مردم عراق است و هیچ قدرتی حق ندارد در آن تصرف خصوصی کند تحت هر نام و نشانی باشد باید تمام مردم عراق بصورت یکسان از استفاده کنند و از درآمد آن بهره مند شوند و تقسیم شود)

مقابله علیه سیاست خصوصی سازی و بر ملا کردن پایان ترسناک (الف - خصوصی سازی سیاستی ضد کارگری است. تحت هر پرده و نامی باشد باید مردود شود. ب - جلوگیری از خصوصی سازی آن هم از راه آگاه کردن

کارگران از سیاست خصوصی سازی و پایان ترسناک آن با برپایی سمینار و گردم آبیها و ورک شاپ و پخش مباحث و تحقیق و مقاله در این باره ج - ایجاد جبهه ای کارگری، برای جلوگیری از پروژه خصوصی سازی، خصوصاً در بخشهای مهمی چون انرژی و خدمات و حمل و نقل و... د - آگاه کردن طبقه کارگر از اهمیت بخش روبنا و زیربنای اقتصاد عراق، که بخش عمومی { که رتی گشتی} محتوی و مرکز آن را تشکیل میدهد)

دخالت حکومت در کار کارگران (الف - ممنوعیت دخالت حکومت در کار کارگران، چه در انتخاب رهبران تشکل و یا استفاده از حقوق آنها در ایجاد تشکل مستقل با حق اعتصاب و تظاهرات

ب - پشت نبستن به یک اتحادیه کارگری برای نمایندگی کارگران و ایجاد شرایط مناسب برای اتحادیه ها و تشکلهای کارگری که به یک اتحادیه که از طرف دولت تحمیل شده وابسته نیستند ج - انحلال تمام قرارها و قوانینی که علیه کارگران است مانند قانون 150، 151 سال 1987 و قرار 13 و 3 که پس از اشغال عراق تصویب شده است د - تحت فشار قرار دادن و خواستن تصویب قانون سازماندهی تشکل، که تمامی حقوق تشکل در آن تایید شده باشد)

ایجاد جبهه ی جهانی، ضد جنگ و محاصره اقتصادی و ممنوعیت حقوق سندیکیایی (الف - ایجاد جبهه ی جهانی، که هدف آن برپایی امنیت و آسایش در جهان است، و دفاع از حقوق و آزادی سیاسی و سندیکیایی است ب - این جبهه معتقد است که جنگ بغیر از کشتار و نابودی معنای دیگری ندارد، و محاصره اقتصادی بغیر از تحمیل سیاست گرسنگی مردم و بویژه کودکان چیز دیگری نمرساند، همچنین ممنوعیت آزادی سندیکیایی و سیاسی بغیر از سلب حقوق انسانی چیز دیگری نمرساند، تمام این سیاستها قابل قبول نیستند، تحت هر توجیه و بهانه ای باشد

ج - جبهه جهانی کارگری، این سیاستها را محکوم میکند و علیه آنها میایستد و نیروی خود را به میدان میآورد و تمام توان خود را برای مقابله با این سیاست غیر انسانی بکار میگیرد)

با تعرض علیه کارگران مقابله میشود (الف - تحکیم همبستگی جهانی طبقه کارگر، دفاع از مبارزه جنبش کارگری برای خواستههای اقتصادی و سیاسی، ایستادگی علیه انواع ظلم و استثمار در تمام نقاط ب - ایجاد سازمانی بین المللی با عضویت نمایندگان تمامی کشورهای شرکت کننده در کنگره و کشورهای که احتمالاً "بعداً" تقاضای ارتباط بکنند، برای هماهنگ کردن تلاشهایمان ج - مستحکم کردن ارتباط بین تشکلهای کارگری و رهبران آنها در سطح جهان و هماهنگ کردن تحركاتمان د - این سازمان در اولین گردهمایی بر مکانیزم و چگونگی انجام وظایف آن تصمیم خواهد گرفت. ه - تلاش میشود شرکت کنندگان دیگری از کشورهای فدراسیون و اتحادیه هایی که در کنگره نماینده ندارند دعوت شود. ی - این تصمیم از میدیها منتشر میشود بویژه روزنامه و سازمانهایی که در این کنگره شرکت دارند)

کمک و پشتیبانی در تاسیس کشوری مستقل و ایجاد حکومتی غیر طایفی و غیر نژادی { در این مورد تغییر انجام گرفت و به تاسیس حکومتی سکولار غیر دینی و غیر قومی تبدیل شد}

(کنگره کارگری جهانی کمک و پشتیبانی خود را برای تاسیس کشوری مستقل در عراق اعلام میکند و ایجاد حکومتی سکولار غیر دینی و غیر قومی را برای استقرار امنیت و آسایش و صلح در عراق تنها راه ممکن میدانند)

کنگره در روز شنبه 4 و رک شاپ و یک اطلاعیه از طرف ژاپنی ها داشت .

قانون نفت و گاز - خصوصی سازی (علی عباس - حسن جمعه - فاروق رئیس اتحادیه

نفت)

نقد قانون کار 87 که قانون کار فعلی عراق است و ماده های 8 - 68 صبحی بدری)

حقوق زنان (حرمان)

همبستگی جهانی کارگران و کمپین جهانی کارگران علیه جنگ (صباح جواد - مایکل اینسگر - نماینده کمپین ضد جنگ کارگران امریکایی - نماینده کمپین ضد جنگ کارگران بریتانیایی)

کمپین سرپازان قدیمی امریکا علیه جنگ (این سازمان در سالهای اخیر بعد از اشغال امریکا جهت جلب آرا عمومی مردم علیه جنگ بوجود آمده و دو نفر از طرف این کمپین در کنگره شرکت داشتند آرون هیوز - توماس یا تی جی)

اطلاعیه گروه ژاپنی (کوندو تاکاماجی - ناسای کنجی) پشتیبانی از حقوق کارگران و زنان عراق - پایان اشغال عراق - اعلام کمپین برای جمع آوری کمک مالی جهت تلویزیون سنا

در پایان کنگره به کلیه شرکت کنندگان خارجی- رهبران قدیمی و فعالین سندیکیایی عراق - استاد حسین بعوان رهبر کارگری از سلیمانیه - سندیکیایی روزنامه نگاران عراق - تلویزیون سنا و تلویزیون کومه له به خاطر زحماتشان که در این کنفرانس شرکت داشتند یادبود ویژه کنگره اهدا شد.

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست به یاد رفقای گردان شوان

21 سال قبل و در چنین روزی 70 رزمنده کمونیست در گردان شوان در اطراف شهر حلبچه عراق در محاصره نیروهای رژیم اسلامی قرار گرفتند و فقط 2 رفیق توانستند نجات پیدا کنند. 12 رفیق اسیر شدند که بعد از چند ماه بوسیله رژیم نیرباران شدند. گردان شوان و نقشی که در یک دوران فعالیت کمونیستی در کردستان داشت برای دوست و دشمن به یاد ماندنی است. یاد همه آن رفقای کمونیست و رزمنده و تاریخی که این گردان برای آزادیخواهی و کمونیسم بجا گذاشت همیشه در جامعه کردستان و قلب ما زنده است.

گردان شوان و جان باختگانش را امروز سازمانهای متنوع کومه له که چه آشکار و چه پنهان پرچم ناسیونالیستی را بر فراز دفتار و مقر هایشان برافراشته اند، در هاله ای از تقدس ناسیونالیستی پیچیده اند و مانند دیگر کمونیستهای جان باخته، آنها را دستمایه سیاست و دکان هایی کرده اند که امروز بر پا داشته اند. رفقای رزمنده و کمونیست در گردان شوان همواره با پرچم و آرمان آزادی، برابری و حکومت کارگری به جنگ دشمنان سوسیالیسم و آزادی و کارگر میرفت و در برابر بورژواها در هر لباسی سرسازش نداشت و مایه افتخار ما و همه کارگران و زحمتکشان در کردستان بود، گردان شوان همان کاری را به بهترین شیوه انجام میداد که کومه له آن زمان انجام میداد. یاد و خاطره این گردان رزمنده کمونیستی برای ما گرامی و عزیز است و در این روز همواره با دو بازمانده عزیزش، همراه با 68 خانواده عزیزشان، همراه با مردم مبارز سنندج و همه کارگران و ستمدیدگان، یاد عزیزشان را گرامی میداریم.

با هم بخشی از نوشته رفیق جلال برخوردار، یکی از بازماندگان این گردان کمونیستی، را در این باره بخوانیم.

"امسال و بر خلاف معمول و سنتی و هر ساله

پاسخ به سوالاتی درباره فعالیت گارد آزادی

اخیرا سوالاتی در رابطه با فعالیت گارد آزادی در کردستان، با رهبری و ارگانهای مختلف حزب طرح شده است. این سوالات در اختیار اسد گلچینی دبیر کمیته کردستان گذاشته شد تا به آنها پاسخ دهند.

اکتبر: گارد آزادی برای جواب به چه ضرورتی تشکیل شده؟ آیا واحدهای گارد آزادی همیشه مسلح هستند؟

اسد گلچینی: در پاسخ به بخش اول سوال نکات پایه ای و مورد مصوب در حزب را مبنی قرار میدهم که بسیار روشن و واضح مبانی این سازمان را بیان میکند.

"گارد آزادی نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری - حکمتیست است و بعنوان بازوی نظامی حزب در خدمت اهداف، آرمانها و برنامه این حزب سازمان میابد. هدف فوری این نیرو تضمین قدرت نظامی حزب، طبقه کارگر و مردم انقلابی برای دفاع از آزادی و امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه است. گارد آزادی هسته تسلیح عمومی مردم و تشکیل ملبس توده ای است و یکی از اشکال اصلی سازمان یابی جوانان و مردم مخصوص در محلات و شهرها است. در شرایط کنونی، با توجه به موقعیت حزب و شرایط خاص سیاسی در کردستان، که از همان ابتدا احزاب بدون پتانسیل نظامی را فاقد هر شانسی میکند، سازمان دادن گارد آزادی وظیفه عاجل حزب در کردستان است. این نیرو، در کردستان، بعلاوه وظیفه حفاظت از رهبران کمونیست مردم و فعالیت های حزب (دسته های سازمانده و غیره) در مقابل تعرض و مزاحمت جمهوری اسلامی و یادارودسته های مسلح سیاسی، قومی و مذهبی دیگر را بر عهده دارد."

در رابطه با اینکه گارد آزادی همیشه مسلح است

گرامی داشت رفقای گردان شوان نه به مثابه یک واحد نظامی کومه له یا بخشی از کومه له بلکه به روایت وسیعتر و دیدگری و فرا سازمانی که متأسفانه امروزه به فراموشی سپرده شده گرامی بداریم. بر این بزرگداشت طبیعتاً چیزی جز مقایسه مناظر گذشته و حال نیست. گرامی داشت رفقای گردان شوان پس از بیست سال نه تنها امری سیاسی بلکه به یک معیار و صحت و سقم تاریخی و عمل انقلابی تبدیل شده و از این رو مهم است بار دیگر مروری کوتاه بر زندگی و مبارزات این رفقا داشته باشیم.

تاریخچه و زندگی مبارزاتی رفقای گردان شوان به مراتب فراتر از تصاویر پیشمرگایی و نظامی و ملی رایج کنونیست. اما و متأسفانه بر بستر عروج سنتهای ملی و ناسیونالیستی این جنبه نظامی و پیش مرگایی این رفقا عمده و برجسته شده است. تحولات پس از دوران جنگ سرد و کرنش احزاب چپ به ایده های ملی و قومی و حتی مذهبی راه را برای مسکوت و مسخ کردن بخشهای از بیوگرافی این رفقا و دوران تقویت نمود. اما واقعیت این است که رفقای تشکیل دهنده این واحد بخشی از نسل کمونیستهای و آزادی خواهان قیام 57 بودند و در واقع دوران گردان شوان تنها بخشی از زندگی سیاسی این رفقا است. اما و با یک نگاه به بیوگرافی تک تک این رفقای می توان مناظر بسیار شیرین و دیدنیتر و تاریخیتر دید. بخشی از شکست نخوردگان تاریخ و تحولات سالهای 1357-1363 در کردستان و بنیان گذار سنتهای شیرین و توده ای و تاریخی بوده اند. این بار و بطور سنت شکنی هم بوده نه تاریخچه نظامی و سازمانی بلکه از زاویه وسیعتر و جنبشی تر یاد این رفقا را گرامی بداریم. تجربه ای که رفقای گردان شوان حاصل و سازنده آن و جزه افتخارات زندگیشان بود. بیوگرافی رفقای گردان شوان تاریخ یک شهر و مردمان آن و یک تجربه تاریخی بزرگ است. اگر این چنین است پس چرا این شهر و مردمانش و این تجربه را گرامی نداریم. 21 سال پیش یعنی روزهای 26 و 27 اسفند 1366 پیش از 70 رزمنده و مبارز کمونیست گردان شوان در جنگی در اطراف شهر حلبچه در کردستان عراق جان خود را در راه آرمانهای

آزادی و برابری از دست دادند. رفقای گردان در حال عقب نشینی از منطقه جنگی ایران و عراق بودند که به محاصره نیروهای رژیم اسلامی درآمدند. به جز دو رفیق که از این محاصره در باز شدند و 12 رفیق اسیر شده بقیه این رفقا در این جنگ جانشان را در راه اهداف برابری و آزادی از دست دادند. چند ماه پس از این واقعه و در نمایشی کثیف رژیم اسلامی 12 رفیق اسیر شده را بر خلاف تمام قوانین بین المللی شناخته و تثبیت شده در دفاع از اسپران جنگی و به مثابه زهر چشم از مردم مبارز سنندج اعدام نمود.

گردان شوان بخشی از ذهن و حافظه و تاریخچه یک شهر و مردم آن یعنی شهر سنندج است چرا که همگی این رفقا بر خاسته از این شهر و حاصل یک تجربه و امید اجتماعی بزرگ بودند. نسل شیرینترین دورانی که این مردم به یاد دارند. نسل آزاد بودن شهرها و حاکمیت بنگه ها و شوراهای محل شهر و مردمی که مزه آزادی را هر چند کوتاه اما چشید. زن را از عمق پستوها و سرگرفت خانواده به بنگه ها و شوراهای محل کشاند. مساجد را به پایتوق و تجمع آزادی خواهان تبدیل کرد. از بلندگوی مساجد نه به مثابه وسیله ترویج جهل و خرافات بلکه جمع کردن مردم و اداره محل استفاده می کرد. با چوب و کلنگ و تفنگ از شهر و امنیتش دفاع کرد. دزدی و جنایت را به پایتینترین حد خود رساند. بود. تسلیح عمومی را به بالا ترین حد و جنایت را به پایتینترین حد رسانده بود. فتواهای مفتی زاده سنی و شاطر ممد شیعی و ملا و پاسبان را در نطفه خفه کرده بود. نسل و شهری که در محاصره اقتصادی بود اما یک صدم تورم و در مقابل یک ارتش تا دندان مسلح اسلامی مقاومت نمود. پسوند کرد، فارس و ترک بودن را به هیچ موفقه و موضوع اجتماعی و شخصیتی وصل نکرده بود."

زنده باد یاد و خاطره عزیز رفقای گردان شوان
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری
26 اسفند 1387

اکتبر: آیا قرار است حزب حکمتیست و گارد آزادی هر تعرضی به مردم را به همین شیوه جواب بدهد؟ آیا قرار است گارد آزادی در دفاع از اعتصابات کارگری به این شیوه وارد میدان شود؟

اسد گلچینی: بدیهی است که فلسفه وجودی گارد آزادی دفاع از آزادی و زندگی کارگران و مردم ستمدیده در برابر هر تعرض و دست درازی رژیم و نیروهای مترجع است. این دفاع و تعرض ما در حال حاضر باید در شکل سازمان دادن همان مبارزه و مقاومت جوانان و مردم مبارز باشد که روزانه در برابر این نیروها صورت میگیرد. مبارزه ای که در محیط کار و زندگی است و برای کوتاه کردن دست رژیم، قوانینش و تعرض همه مترعین و سرمایه دارانی است که امنیت و آسایش کارگران و زنان و جوانان را سلب کرده اند. این مبارزه در حال حاضر از طرف گارد آزادی نمیتواند مسلحانه باشد و حضور مسلح و حفظ چهره مسلح گارد، بخش بسیار کوچک از کاری است که میتواند در حال حاضر و بنا به شرایط مبارزه مخفی ممکن شود، بخش مهم و گسترده این سازمان میتواند و باید متشکل کردن مبارزه مردم مبارز در محل کار و زندگیشان برای تغییر فضای زندگی و بهبود آن به نفع آزادی و برابری باشد. همانطور که در ابتدا هم گفتیم گارد آزادی میلیشیای توده ای است، سازماندهی مبارزه ای مانند جنبش انقضاض است، مردم و جوانانی که گاهی مسلح هستند و گاهی غیر مسلح و اجازه دست درازی هیچ کسی را به زندگیشان نمیدهند. این تصویر که گویا گارد آزادی "موتور محرکه" مردم و دسته ای چریک از جان گذشته است ربطی به تصویری که ما از گارد آزادی داریم و دست اندکار سازمان دادن آن هستیم ندارد. گارد آزادی همانطور که همه ما بر آن تاکید داریم سازمان مسلح و توده ای و ملیتات یک حزب کمونیستی و ملیتات است که برای گرفتن قدرت سیاسی در اتکا به سازماندهی کارگران و در رأس آنها رهبران و سازماندهندگان کارگران برای جامعه ای سوسیالیستی است.

باید بگوییم خیر و در حال حاضر گارد آزادی به عنوان سازمانی که باید قدرت مبارزه و مقاومت هر روزه مردم مبارز را در محیط های کار و زندگی متشکل کند لازم نیست مسلح باشد. این یک جنبه بحث همیشگی ما بوده است. گارد آزادی علاوه بر تأمین حضور مسلح حزب در شهرها و روستاهای کردستان در شکل واحد های مسلح و مخفی، میتواند و لازم است که در شکل واحد های غیر مسلح و در ابعاد وسیعی ظرف مبارزه ملیتات مردم باشد، مبارزه ای که در جریان است باید در این سازمان متشکل کند، مرتبط کند و این یک امر مهم و حیاتی گارد در کنار حضور مسلح حزب است.

اکتبر: اخیر عملیاتی از طرف گارد آزادی در منطقه مریوان انجام شده است. این عملیات با عملیتهای تا کنونی گارد تفاوت داشت. تا جاییکه به سیاست رسمی حزب حکمتیست بر میگردد این نوع فعالیت در دستور نبوده آیا تغییری در سیاست رسمی حزب بوجود آمده یا شرایط تغییری کرده است؟

اسد گلچینی: در سیاست حزب مبنی بر حفظ حضور چهره مسلح حزب و گارد آزادی در فعالیت واحد های گارد تغییری بوجود نیامده است. عملیات مورد اشاره که عکس العمل یکی از واحد های گارد به یورش و حشیانه نیروهای ضد مردمی انتظامی و گالای به اصطلاح قاچاقی در روستای دگاگا در حومه مریوان بود صرفاً یک عملیات استثنایی بود و به عنوان کار روئین گارد در کردستان نبود. و در این رابطه از طرف هیات اجرایی کمیته کردستان، بر فعالیتها. سیاست های مصوب تاکید مجدد شده است تا هیچ شبه های ایجاد نشود. به این ترتیب ممکن است چنین عملیاتی نشان از تغییر سیاست ما در مورد فعالیت گارد آزادی در کردستان باشد که لازم است برای اطلاع عموم و همه واحد های مسلح گارد آزادی در کردستان روشن کنیم که این عملیات به معنای وارد شدن ما به تغییر تاکتیک های کنونی گارد نیست.

اطلاعیه پایانی کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کنگره سوم حزب حکمتیست در روزهای ۷، ۸ و ۹ مارس برابر با ۱۷، ۱۸ و ۱۹ اسفند، با شرکت نمایندگان تشکیلاتهای مختلف حزب برگزار شد و با موفقیت به پایان رسید. در کنگره سوم حزب علاوه بر نمایندگان، هیئتی از حزب کمونیست کارگری عراق و همچنین تعدادی میهمان که به کنگره دعوت شده بودند شرکت داشتند. کنگره سوم طی ۳ روز کار فشرده مهمترین مسائلی که در مقابل مردم ایران، طبقه کارگر و کمونیستها قرار گرفته است را مورد بحث و بررسی قرار داد و به وظایف حیاتی کمونیسم در این جامعه و حزب حکمتیست و به مهمترین مولفه های تغییر اوضاع به نفع کارگر و مردم محروم پرداخت. از دل مباحثات بسیار پرشوری که در این کنگره میان نمایندگان و شرکت کنندگان صورت گرفت، تصمیمات مهمی اتخاذ شد و نتایج پرتابکی جدی در دستور حزب قرار گرفت. کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. سپس خالد حاج محمدی دبیر هیئت نظارت بر انتخابات نمایندگان کنگره، گزارش انتخابات را تقدیم کنگره کرد. در خاتمه این بحث کنگره به اتفاق آرا اعتبارنامه نمایندگان منتخب و رسمیت کنگره را تصویب کرد. کنگره بعد از تصویب آیین نامه کنگره و تعیین هیئت رئیسه، دستورات زیر را به اتفاق آرا به تصویب رساند:

گزارش

اوضاع سیاسی ایران و اولویتهای حزب حکمتیست
ارزیابی از وضعیت جنبش کمونیستی در ایران
طبقه کارگر و مبارزه اقتصادی در ایران
برخورد کمونیستی به بحران اقتصادی جهان
اولویتهای حزب در ایران
اولویتهای حزب در کردستان
قرارها و قطعنامه ها
انتخابات

کنگره با سخنرانی افتتاحیه فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی آغاز شد و با سخنرانی کورش مدرس دبیر کمیته مرکزی ادامه یافت. سپس سامان کریم از طرف حزب کمونیست کارگری عراق پیام رهبری حزب کمونیست کارگری عراق را به اطلاع حاضرین رساند. به دنبال پیامهای رسیده از حزب کمونیست کارگری کردستان، سمیر عادل رئیس کنگره آزادی عراق و جمعی از اعضا و دستداران حزب از کانادا قرائت شد.

در بخش گزارش خالد حاج محمدی دبیر اجرایی حزب گزارشی عمومی از فعالیتهای حزب در فاصله کنگره دوم تا کنگره سوم حزب را تقدیم کنگره کرد. بدنبال سوالاتی از جانب حاضرین در رابطه با فعالیتهای مختلف کمیته های حزبی طرح شد و سپس دبیران کمیته های کردستان، سازمانده، خارج، مالی و ... به سوالات طرح شده جواب و نکات لازم را در عرصه کار خود توضیح دادند. سپس نمایندگان از زوایای مختلف به بحث و اظهار نظر در مورد فعالیت های حزب پرداختند. در این بخش به مهمترین عرصه های فعالیت حزب، مصافهایی که حزب حکمتیست با آن روبرو

بوده و موانع و مشکلات، پیشرویها و موقعیت کنونی حزب اشاره شد.

مبحث اوضاع سیاسی ایران و اولویتهای حزب حکمتیست به شکل پانل ارائه شد. در این بحث رفقا ثریا شهابی، حسین مرادبیگی و بهرام مدرس هر یک از زاویه نظر خود به مهمترین مولفه های اوضاع سیاسی و مهمترین اولویتهای حزب پرداختند. بدنبال نمایندگان با دخالت فعال خود در این مبحث شرکت و نکات و ملاحظات خود را بیان کردند. در این بحث به تحولات جدی ای که در جریان است، به موقعیت جمهوری اسلامی، بحران اقتصادی و تأثیرات آن بر زندگی مردم، توازن قوا میان مردم و جمهوری اسلامی، صیفندی اپوزیسیون جمهوری اسلامی، جنبش آزادیخواهانه و موقعیت آن و مهمترین اولویتهای حزب حکمتیست پرداخته شد.

معرف بحث ارزیابی از وضعیت جنبش کمونیستی در ایران، کورش مدرس بود. در این بحث نیز ابتدا معرف به موقعیت این جنبش، گرایشهای مختلف در آن از کمونیسم بورژوازی تا کارگری، به گرایش ضدژیمی و پوپولیستی در این جنبش، به درکهای مختلف از سرنوشت جمهوری اسلامی و جایگاه نقد مارکسیستی به نظام سرمایه داری در میان این طیف و همچنین به اهمیت داشتن چنین نقدی به تمام وجوه این نظام و الترناتیو کمونیستی، به موانع ذهنی طبقه کارگر و اهمیت چفت شدن کمونیسم مارکسی به پایه اجتماعی خود پرداخت. این بحث با دخالت بسیار فعال شرکت کنندگان و در فضایی بسیار جدی به وضعیت کنونی این جنبش و گرگهاهایش و موانع اصلی ای که کمونیسم طبقه کارگر باید از سر راه خود بردارد و پیش برود پرداختند.

کنگره در دستور بعدی خود به مبحث طبقه کارگر و مبارزه اقتصادی در ایران پرداخت که به صورت پانل توسط رفقا مظفر محمدی، رحمان حسین زاده، بهرام مدرس و اسد گلچینی ارائه شد. بدنبال ارائه بحث شرکت کنندگان در کنگره به مهمترین نکات مورد نظر خود پرداختند. در این بحث نیز به مهمترین مسائل در مورد موقعیت کنونی طبقه کارگر، مبارزات و مسائل آن، مصافهائی آن با جمهوری اسلامی، موانع عروج طبقه کارگر، موقعیت اقتصادی و مبارزات مطالباتی آن، موقعیت گرایش سوسیالیستی در میان طبقه کارگر و نقش و جایگاه حزب ما و مهمترین وظایفی که بر دوش کمونیستها و رهبران کمونیست طبقه کارگر و حزب حکمتیست خواهد افتاد، پرداخته شد. کنگره به دلیل تنگی وقت ترجیح داد از میان مباحث برخورد کمونیستی به بحران اقتصادی جهان و اولویتهای حزب در ایران و کردستان به دو مبحث اخیر بپردازد. بحث اولویتهای حزب در ایران توسط بهرام مدرس دبیر کمیته سازمانده ارائه شد. در این بحث به موقعیت کنونی حزب، سازمان حزب در ایران، نقش و تأثیر ما در جنبشهای اعتراضی و اجتماعی و مهمترین وظایفی که بر دوش حزب است پرداخت. در این بحث نیز نمایندگان کنگره ضمن طرح سوالاتی در مورد فعالیتهای حزب ما و تشکیلات حزب در ایران، نکات مهمی را در مورد فعالیتهای حزب و نقشه آتی کار ما ارائه دادند.

اسد گلچینی دبیر کمیته کردستان بحث اولویتهای حزب در کردستان را تقدیم کنگره کرد. دبیر کمیته کردستان ضمن اشاره به فعالیتهای تا کنونی حزب، به موقعیت تشکیلات کردستان، سازمان حزب در

کردستان، گارد آزادی و وضعیت کنونی آن، موقعیت جریانات ناسیونالیستی در کردستان و وظایف اصلی ای که باید در دستور تشکیلات کردستان قرار بگیرد پرداخت. شرکت کنندگان در کنگره از زوایای مختلفی نکات و ملاحظات مهمی را به اطلاع کنگره رساندند. کنگره رسیدگی به قرار و قطعنامه ها را به رهبری آتی حزب سپرد. در انتخابات کمیته مرکزی ۴۱ نفر به عنوان اعضا اصلی و ۷ نفر به عنوان اعضای علی البدل انتخاب شدند. اعضای کمیته مرکزی منتخب کنگره سوم عبارتند از: آذر مدرس، اسد گلچینی، اسعد کوشا، اسماعیل ویسی، اعظم کم گویان، امان کفا، برهان دیوارگر، بهرام مدرس، بهروز مدرس، پری زارع، ثریا شهابی، حسین مرادبیگی، جمال کمانگر، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، رحمت فاتحی، رسول بناوند، رزا رامش، رضا دانش، ربیوار احمد، ژیلآ آوانسیان، سلام زیجی، سعید ارمان، سیوان رضایی، صالح سرداری، عبدالله دارابی، علی عبدالی، فاتح شیخ، فواد عبداللہی، کورش مدرس، لادن داور، محمد فاتحی، محمد راستی، محمد جعفری، مصطفی اسد پور، مظفر محمدی، ملکه عزتی، ناصر مرادی، ندا شکیبی، نظیره معماری و همایون گدازگر. اعضا علی البدل کمیته مرکزی رفقا ابراهیم باتمانی، دیانا نامی، سوسن هجرت، گلنایغ محمدی، مصطفی یونسی، نادر استاد و هلاله طاهری هستند.

کنگره سوم حزب حکمتیست با سخنرانی اختتامیه فاتح شیخ و بدنبال آن با سرود انترناسیونال در میان شور و شوق نمایندگان با موفقیت به کار خود پایان داد. پس از پایان کنگره، پلنوم ۱۳ کمیته مرکزی با شرکت اکثریت اعضا برگزار شد. در این پلنوم بحث کوتاهی در مورد آرایش رهبری حزب صورت گرفت و کمیته مرکزی به اتفاق آرا آرایش فعلی رهبری حزب را مجدداً تأیید کرد. سپس کمیته مرکزی به اتفاق آراء کورش مدرس را بعنوان دبیر کمیته مرکزی و ۱۵ نفر را بعنوان دفتر سیاسی انتخاب کرد که عبارتند از: آذر مدرس، اسد گلچینی، اعظم کم گویان، امان کفا، بهرام مدرس، ثریا شهابی، جمال کمانگر، حسین مرادبیگی، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، صالح سرداری، عبدالله دارابی، فاتح شیخ، مظفر محمدی و محمد فاتحی. جلسه دفتر سیاسی پس از پلنوم کمیته مرکزی، با شرکت اکثریت اعضا دفتر سیاسی به اتفاق آراء فاتح شیخ را بعنوان دبیر دفتر سیاسی و خالد حاج محمدی را بعنوان دبیر اجرایی حزب و معاون رئیس دفتر سیاسی انتخاب کرد. لازم به توضیح است که روز جمعه ۶ مارس برابر با ۱۶ اسفند، روز قبل از کنگره، پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی با شرکت اکثریت اعضا و علی البدلها برگزار شد. در این پلنوم، در مورد جوانب مختلف تجربه آرایش جدید رهبری و مباحث در دستور کنگره بحث و مشورت شد. همچنین روز یکشنبه بعد از اتمام اجلاس رسمی کنگره به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن مراسمی با شرکت نمایندگان و مهمانان کنگره برگزار شد.

کنگره سوم حزب حکمتیست بعد از سه روز کار فشرده، در میان شور و شوق حضار و در فضای بسیار جدی حاصل از جدلهای مهم، بحثهای داغ و راهگشا و روشن بر سر مصافهائی که کمونیستها و حزب حکمتیست در پیش رو دارند، به موفقیت به پایان رسید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ اسفند ۱۳۸۷ - ۱۲ مارس ۲۰۰۸